

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: تفسیر سوره بقره
موضوع جزئی: آیه ۲۵_ فلسفه انذار و تبشیر_ متعلق بشارت‌ها در قرآن
تاریخ: ۲۱ مهر ۱۳۹۷
مصادف با: ۳ صفر ۱۴۴۰
جلسه: ۴

﴿ الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین ﴾

خلاصه جلسه قبل

در آیه ۲۵ بعد از بیان معنای مفردات آیه، نوبت رسید به معنای کلی و اجمالی آیه. عرض کردیم معنای اجمالی آیه این است که خداوند در این آیه در واقع به یک بخشی از مسأله معاد اشاره می‌کند و بعد از بیان اصل توحید و نبوت و اعجاز قرآن که به نوعی به نبوت مربوط می‌شود به معاد پرداخته است و از آنجا که معاد جلوه قهر و مهر الهی است، یعنی هم غضب و هم رحمت الهی در آنجا متجلی است، لذا در آیه ۲۴ و ۲۵ انذار به آتش و تبشیر به بهشت می‌دهد. پس آیه ۲۵ در واقع یک قسمتی از مباحث مربوط به معاد است که بهشت و جنت برین است و خداوند متعال این را بشارت می‌دهد به کسانی که اهل ایمان و عمل صالح اند.

به مناسبت بشارتی که در این آیه به بهشت داده شده، مختصراً درباره فلسفه انذار و تبشیر در قرآن مطالبی بیان خواهیم کرد که اصلاً چرا در قرآن هم بشارت می‌دهد مؤمنان را و هم بر حذر می‌دارد و می‌ترساند آن‌ها را. البته این بشارت و انذار، شامل سایر اصناف مردم هم می‌شود. یعنی ممکن است منافقی و یا کافری در اثر این انذار یا تبشیر متنبه شود، یا مؤمنی با این انذار و تبشیر هم تقویت می‌شود ایمانش و هم در عین حال خوفی در دلش ایجاد می‌شود که مبادا از ایمان فاصله بگیرد یا از عمل صالح دور شود.

فلسفه انذار و تبشیر

اگر بخواهیم به طور خلاصه به چند جهت و حکمت در مورد فلسفه انذار و تبشیر اشاره کنیم می‌توانیم به این نکات البته از دید خود قرآن اشاره کنیم؛

۱. مهمترین وجه انذار و تبشیر، اتمام حجّت است، خداوند می‌فرماید: «رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ»^۱ این اشاره به اتمام حجّت نزد بندگان دارد، ما پیامبران را فرستادیم که مبشر و منذر باشند «لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ» برای اینکه مردم در روز قیامت حجتی در برابر خداوند نداشته باشند. مردم روز قیامت وقتی مورد مؤاخذه قرار می‌گیرند ممکن است بگویند: کسی به ما نگفته بود، کسی ما را ترغیب نکرده بود. پس وعده و وعید و تبشیر و انذار مهمترین خاصیتش این است که اتمام حجت برای بندگان می‌کند و بهانه‌ها را از آنها می‌گیرد.

۱. سوره نساء: آیه ۱۶۵.

البته این اتمام حجت مراتب دارد، عرض کردم ممکن است برای کسی ناجی باشد از عذاب به نعمت، ممکن است برای کسی بالابرنده و رفعت دهنده مرتبه و درجه او در بهشت باشد، یا تخفیف دهنده عذاب باشد، یعنی کسی از این اندازها اثر ببیند و نتیجه‌اش این شود که از اعمال زشت او هم کم‌کم هم کیفاً، مقداری کاسته شود و درجه و مرتبه او در عذاب جهنم کمتر شود. پس اتمام حجت یک وقت برای اصل وقوع در بهشت و جهنم است، یک وقت هم برای تغییر مرتبه است، یعنی در بهشت از مرتبه دانی به عالی رود و در جهنم هم از مرتبه مادون به مرتبه دپگری صعود کند.

۲. دومین نکته این است که اساساً این باعث پذیرش ایمان و باور قلبی و اعتقاد است، خداوند می‌فرماید «إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا لِّتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ»^۱، ما تو را به عنوان شاهد و گواه و مبشر و نذیر فرستادیم، برای اینکه به خدا و رسولش ایمان بیاورند. اینجا دوباره بحث از ارسال رسل و رسول خدا است، ولی وصف مهم ارسال نبی و رسول این است که مبشر و نذیر است، بشارت دهنده و منذر است. نتیجه آمدن پیامبر به همراه این بشارت و انذار ایمان به خدا و رسول است.

دقت کنید اتمام حجت برای روز قیامت و تشکیل محکمه است، ولی آنچه که در این بند دوم داریم ذکر می‌کنیم این است که تاثیر بشیر و انذار در دنیا چیست؟ تاثیر مهم آن حصول ایمان و اعتقاد و پذیرش اسلام و رسول است. این ترغیب‌ها و تشویق‌ها و ترساندن‌ها و تخویف‌ها به هر حال در انسان اثر می‌گذارد، یعنی در دنیا وقتی بشارت به نعمت‌های الهی (البته بشارت فقط به روز قیامت نیست و به چیزهای مختلفی است، اما اینجا در آیه ۲۵ موضوع فقط بشارت بهشت و نعمت‌های بهشتی است) داده می‌شود، اگر پایان زندگی یا به بهشت برین یا به عذاب الیم ختم شود و این را به انسان یاد آوری کنند این در دنیا اثر می‌گذارد که زندگی مؤمنانه داشته باشد یا غیر مؤمنانه.

البته آثار جانبی دیگری هم هست ولی مهمترین فلسفه و حکمت انذار و تبشیر این دوتا می‌تواند باشد؛ یکی آن تنبیهی که برای انسان پیدا می‌شود در این دنیا و نتیجه این انذار و تبشیرها قهراً می‌تواند ایمان به خدا و رسول باشد، و دیگری هم در آخرت که حداقل بهانه را از انسان می‌گیرد و اتمام حجتی می‌شود برای انسان که دیگر در روز قیامت نتواند با خداوند احتجاج کند و حجتی بیاورد و عذری بر خطاهای خودش و کوتاهی‌های خودش اقامه کند.

وجه بیشتر بودن انذار از تبشیر در قرآن

مطلب دیگری که به طور کلی در این بخش لازم است مورد اشاره قرار گیرد این است که نوعاً در قرآن آیات انذار و تبشیر با هم آمده، یعنی نوعاً اینطور است که هر جا سخن از ترساندن است، وعده به بهشت و نعمت هم است. ولی مجموعاً آیات انذار بیش از آیات تبشیر است. ما گفتیم اگر فقط ترساندن باشد موجب یأس و ناامیدی می‌شود اگر فقط بشارت باشد باعث امید نا به جا میشود و اصلاً ذهن انسان به سمت گرفتاری‌ها و عذاب‌ها نمی‌رود.

۱. سوره فتح: آیه ۸.

علت این است که اثر انذار بیشتر از تبشیر است، تبشیر در واقع ترغیب انسان به سوی آن چیزی است که به آن بشارت می‌دهد، فرض کنید به انسان بگویند برای این کار، این پاداش در نظر گرفته شده، این رغبت و میل درونی را برای انسان بیشتر می‌کند و مشوق انسان برای آن عمل و آن کار است. اما صرف امیدواری به رسیدن به پاداش نیک به حدی نیست که انسان را وادار به انجام آن کار کند. اما تهدید و تخویف باعث میشود انسان بیشتر مراقب باشد، مبنای اینکه ما می‌گوییم اثر انذار و تهدید بیشتر از تبشیر و وعده است، همان مطلبی است که معروف است، «دفع الضرر أولى من جلب المنفعة». این یک حکم عقلی است. چون؛ دفع ضرر احتمالی لازم و واجب است، اما جلب منفعت احتمالی لازم و واجب نیست، انسان اگر قطع به ضرری داشته باشد حتماً از آن اجتناب می‌کند، اگر ضرر احتمالی باشد، باز هم به نظر عقل این لازم و واجب است دفعش. البته این مدعای برخی است که این حکم عقلی است و این جای بحث دارد، آنچه که معروف و مشهور می‌باشد این است که دفع ضرر محتمل واجب است. اما آیا از نظر عقل جلب منفعت ضروری است یا نه؟ یک موقع کسی ادعا می‌کند که جلب منفعت رجحان دارد، بحثی در آن نیست، اما آیا این یک امر الزامی است؟

به نظر مشهور دفع ضرر محتمل لازم است و این یک الزامی برای انسان ایجاد می‌کند و این حکم عقل است اما از نظر عقل جلب منفعت لازم نیست و لذا گفته شده که دفع ضرر اولی است از جلب منفعت. اگر امر دایر شود بین اینکه انسان ضرری را از خودش دفع کند یا منفعتی را جلب کند، عقل می‌گوید که دفع ضرر اولی است از جلب منفعت.

اگر این مبنا را پذیرفتیم، می‌توانیم ادعا کنیم که اثر تهدید و ترساندن بیش از بشارت است، لذا اگر ما می‌بینیم در قرآن آیات انذار بیش از تبشیر است، بخاطر آن تاثیر عمیقی است که ترساندن بر انسان می‌گذارد، البته آنچه که آقایان می‌گویند حکم عقل به لزوم دفع ضرر محتمل آخری است، یعنی اگر ما به نحو مطلق هم نپذیریم، که دفع ضرر محتمل واجب است، حداقل این است که عقل می‌گوید دفع ضرر محتمل آخری واجب است. به هر حال اگر دفع ضرر محتمل آخری را از نظر عقل واجب و لازم بدانیم، این ادعا قابل اثبات است؛ چون الان هم بحث در مورد انذار و تبشیر در آخرت است. به هر حال عقل دفع ضرر محتمل آخری را لازم می‌داند.

پس ترساندن و انذار و تخویف اموری هستند که تاثیر آن برای ترک گناه و فعل واجبات بیش از تبشیر است.

اکنون چند نکته پیرامون بشارت‌های قرآنی لازم است اینجا ذکر کنیم؛

متعلق بشارت‌ها در قرآن

آیات متعددی درباره بشارت در قرآن آمده. این بشارت‌ها لزوماً در مورد امور آخری نیست،

۱. گاهی بشارت به نعمت‌های آخروی داده شده مانند: فردوس، جنت النعیم و از جمله در همین آیه که بشارت به بهشت و نعمت‌های بهشتی داده شده است.

۲. گاهی بشارت به نعمت‌های دنیوی است، مثلاً در قرآن در مورد تولد اسحاق و رسیدنش به مقام نبوت بشارت داده ولی، این بشارت‌های مربوط به این دنیا است و به آخرت ربطی ندارد «وَبَشِّرْنَاهُ بِإِسْحَاقَ نَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ»^۱، ما او را بشارت دادیم به اسحاق، به عنوان یک نبی از صالحین. کأن این آیه مشتمل بر سه بشارت است؛ بشارت به اصل وجود اسحاق، بشارت بر اینکه از صالحین است، بشارت بر نبوت او، که هر سه بشارت مربوط به این دنیا است.

۳. گاهی بشارت در آیات قرآن متضمن هر دو است، یعنی هم یک امر دنیوی و هم یک امر آخروی، مثل این آیه: «الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ، لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ»^۲، کسانی که ایمان آوردند و اهل تقوا بودند بشارت باد بر آنها هم در حیات دنیا و هم در حیات آخرت، و این اثبات می‌کند که بشارت لزوماً برای آخرت نیست. به هر حال از این سه قسم بشارت، آنچه در این آیه محل شاهد و بحث است، بشارت به امر آخروی است.

نکته دیگری که در باب بشارت ذکرش مهم است این است که ۱. بشارت به چه کسانی داده می‌شود؟ ۲. مبشرین چه کسانی هستند؟ درست است که در اینجا به خصوص در مورد این آیه صحبت می‌کنیم، اما گاهی یک مباحث کلیدی‌تری مطرح می‌شود که شما می‌توانید یک شناخت اجمالی درباره همه آیاتی که متضمن معنای بشارت هستند، پیدا کنید و در برخورد با آیاتی که مفهوم بشارت در آنها آمده با این نگاه و از این زاویه می‌توانید یک تقسیمی بین آیات داشته باشید.

بحث جلسه آینده

اما آنچه که باعث برخورداری از بشارت است و اینکه گیرندگان بشارت چه کسانی هستند، در قرآن چند گروه را به عنوان آخذین بشارت ذکر کرده، که حداقل ما به چهار گروه می‌توانیم اشاره کنیم. یعنی اگر بخواهیم از بشارت الهی برخوردار باشیم باید جزء این افراد و گروه‌ها باشیم، این که چه کسانی این بشارت را به ما می‌دهند هم چند گروه هستند که انشاءالله بعداً عرض می‌کنم.

«والحمد لله رب العالمين»

^۱ سوره صافات آیه ۱۱۲.

^۲ سوره یونس آیات ۶۲ و ۶۳.